

دولت شهر آرمانی ایرانی مفهوم فضای شهری ایران

احمد میرزا کوچک خوشنویس

عضو هیئت علمی و مدیر گروه مرمت بناهای تاریخی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
A.M.Khoshnevis@gmail.com

چکیده

دو مفهوم از فضای شهری در کالبد شهر ایرانی قابل درک است. یکی مفهوم "آرمان شهر دولتی ایرانی" است که در آن دولت نیازمند تعامل با مردم نیست و مکانی نیز در شهر برای این موضوع در نظر گرفته نمی‌شود، مانند تمامی قلعه شهرهای قدرت مادی و پارسی ایران. دیگری مفهوم "دولت شهر آرمانی ایرانی" است که در آن حضور مردم در عرصه تصمیم‌گیری‌های دولتی مطرح بوده و مکان میدان مرکزی در شهر بدین منظور اختصاص یافته است، مانند شهرهای پارسی هلنی و پارتی که چون این میدان، صحن معبد نیز می‌باشد، مفهوم یک دولت شهر آرمانی ایرانی نیز دارد.

سازمان شار ایرانی در دولت اشکانی از یکسو با تبعیت از قدرت پادشاه شهر دارای حصار و قلعه بوده است، و از سوی دیگر دولت - شهری است که در آن از آرای مردم در تصمیم‌گیری‌های حکومتی استفاده می‌شود، که مکان جلوه این حضور اجتماعی، میدانی در جلوی معبد ایرانی بوده است. چون این میدان حکومتی در راستای باورهای دینی و آرمان‌های ایرانی شکل می‌گیرد، مفهوم فضای شهری ایرانی در این دوره یک "دولت شهر آرمانی ایرانی" است.

به منظور اثبات فرضیه‌های فوق، تعریفی از موضوع فضای شهری به تشریح مفاهیم ذهنی و مصادیق عینی، در مکاتب شهرسازی پرداخته می‌شود. سپس تاریخ مفاهیم دولت شهرهای ایرانی و یونانی در سیر تحول شهرسازی ایران نسبت به هم مقایسه می‌شوند. عدم تمایل به مردمسالاری بودن حکومت‌های ایرانی، قلعه شهرهای مادی و پارسی با دولت شهر آرمانی مردمسالارانه که در شهر هاترا عنوان گشته مطرح می‌شود.

واژه‌های کلیدی

شهر، ایران، یونان، باستان، دولت‌شهر، آرمان‌شهر، فضای شهری.

مقدمه

در بررسی تجلی روحیه مردم ایران در کالبد شهری در زمان و مکان خود اثر، دو مفهوم از فضای شهری ایرانی قابل درک است. یکی مفهوم "آرمان شهر دولتی ایرانی" است که در آن دولت نیازمند تعامل با مردم نیست و مکانی نیز در شهر برای این موضوع در نظر گرفته نمی‌شود، مانند تمامی قلعه شهرهای قدرت مادی و پاریسی ایران. دیگری مفهوم "دولت شهر آرمانی ایرانی" است که در آن حضور مردم در عرصه تصمیم‌گیری‌های دولتی مطرح بوده و مکان میدان مرکزی در شهر بدین منظور اختصاص یافته است، مانند شهرهای پاریسی هلنی و پارتی که چون این میدان، صحن معبدی نیز می‌باشد، مفهوم یک دولت شهر آرمانی ایرانی نیز دارد.

هرگاه مفهوم "آرمان شهر دولتی ایرانی" شکل کالبدی به خود می‌گیرد، شهر ایرانی دارای برج و بارویی مستحکم خواهد بود و ساختار شهر را معبدی در میان تشکیل می‌دهد که مکان عبادت خواص است، و برای توده‌های مردم جایگاه حضور در همین نیایشگاه وجود ندارد. شاه یا فرمانده همراه با خانواده خود و دیگر نجبا و اشراف در این دژ زندگی می‌کنند و نیازی به تعامل با مردم در پیشبرد و اجرای مقاصد حکومتی نیست. این مفهوم شهرگرایی با روی کار آمدن دولت‌هایی بنام آرمان‌های ایرانی، اگر نتوانست هویتی مردم سالارانه را بپذیرد، در کالبدی محدود به بافت پیچیده و کهن باقی مانده است.

اما از سوی دیگر مفهوم "دولت شهر آرمانی ایرانی" است که در تاریخ شهرگرایی ایرانی هویت مدنی و کالبدی کاملاً متفاوتی پیدا نموده است. ابداع مفهوم شار ایرانی در شهرسازی ایرانی زمانی صورت پذیرفته است که حاکمیت سیاسی و مذهبی در ایران یک قطبی بوده و از حضور مردم در بالندگی نظام سود می‌برد. پس سیمای کالبدی شهرسازی مصداق عینی ارزشهای بالنده مکتبی است که حکومتی مردم سالارانه را خواهان است و مصداق یک آرمان شهر دولتی ایرانی که در آن پادشاهی قدرتمند با نام مذهب حاکمیت خود را همراه با حضور مردمی به پیش می‌برد. این مقاله با نقدی بر مفاهیم شهرسازی ایران به دنبال توضیح و تشریح مفاهیم ذهنی و عینی یک "دولت شهر آرمانی ایرانی" است.

فرضیه پژوهش

شهروندان ایرانی زمانی قادر خواهند بود درک درستی از محیط خود داشته باشند، و درجه اهمیت مفهوم فضای شهری در برنامه‌ریزی شهری معاصر را دریابند، که بتوانند طرح ریزی شهری گذشته و حال را با هم مقایسه کنند. مفهوم فضای شهری ایرانی بر اساس معیارهای زیبایی‌شناختی، ممکن است تنها به نمونه فضای بین بناها در شهرهای ایرانی قلمداد شود، زیرا فضای شهری ایرانی از لحاظ هندسی با شکل و نماهای گوناگون ویژه خود محصور می‌شود. اگر چنانچه تنها ویژگی‌های هندسی و کیفیت زیبایی‌شناسی ایرانی در فضای بین ساختمان‌ها بررسی شود و درک ذهنی مخاطبین آگاهانه مورد تأکید قرار نگیرند، فضای بیرونی ساختمان‌ها تنها می‌تواند فضایی دستوری در طراحی شهری ایران امروز را به نمایش بگذارد. از اواخر قرن ۳ ق.م. تا قرن ۷ م. (یکم هجرت)، سازمان شار ایرانی در شار پارتی و در دولت اشکانی دچار تحولی اساسی شد. از یکسو با تبعیت از پادشاه شهر/قدرتی دارای حصار و قلعه بوده است، و از سوی دیگر دولت/شهری است که در آن از آرای مردم و نخبگان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و حکومتی

استفاده می‌شود، که مکان جلوه این حضور اجتماعی، میدانی در صحن معبد ایرانی بوده است. در شهر پارتی هاترا چون این میدان حکومتی در راستای باورهای دینی و آرمان‌های ایرانی در صحن معبد شکل می‌گیرد، مفهوم فضای شهری ایرانی در این دوره یک "دولت شهر آرمانی ایرانی" است.

روش تحقیق

به منظور اثبات فرضیه‌های فوق پس از تعاریف معمول از موضوع فضای شهری در ایران و جهان به تشریح مفاهیم ذهنی و مصادیق عینی، در مکاتب شهرسازی پرداخته می‌شود و پس از بررسی تاریخ مفاهیم دولت شهرهای ایرانی و یونانی به مقایسه آنها در سیر تحول شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی ایران پرداخته می‌شود. جهت معرفی نقش فضاهای شهری در ایران باستان، و تمایل یا عدم تمایل به مردم سالاری بودن حکومت‌های ایرانی، قلعه شهرهای مادی و پارسی با دولت شهر آرمانی که در شهر هاترا در نینوا عنوان گشته با هم مقایسه می‌شود، تا هویت آرمان شهر دولتی بودن و عدم تمایل به مردم سالار بودن آنها روشن گردد.

اصول و تعاریف

راب کریر (۱۳۷۵: ۱۵) در تعریف فضای شهری به صورت فوق، تمامی ارزش‌های ادراکی فضای شهری را در خود شئی یا Object که همان کالبد موجود در بیرون ساختمان هاست محدود می‌کند. اما او خود نیز اضافه می‌کند: "هر بررسی زیبایی شناختی احتمال دارد بر اساس سلیقه شخصی باشد"، پس بدین ترتیب عادات حسی متفاوت افراد در زمان و مکان‌های متفاوت باعث می‌شود حقایق زیبایی در فضای شهری به ارزش‌های گوناگون درک شوند. به طوری که هر قدر جامعه‌ای به تاریخ خود علاقه داشته و به آن افتخار ورزد، به همان اندازه ارزش فضایی شهر کهن خویش را شناسایی کرده و شهرسازان را تشویق به استفاده از آن گنجینه‌های دوران پیشین در کار و آثار امروزی می‌نماید. بر این مبنای شناخت مخاطبین از فضاهای شهری به درک ایشان وابسته است و این نگاهی Subjective به ارزش‌های فضایی در شهر است. حال با کمی تأمل می‌توان فهمید هر دو نگاه فوق، فضای شهری را "ایستا" فرض کرده‌اند، و همچون تصویری دو بعدی الصاق شده بر دیوار بدان می‌نگرند، در صورتی که فضای شهری هر چه باشد، قابلیت ادراکی آن در راستای زمان استفاده و حرکت مخاطبین تغییر می‌کند.

زوکِر بر این عقیده است که فضای شهری به یاری تجسم و تصویری که ناظر از وسعت و حدود فضا و احساس حرکت در آن پیدا می‌کند، ادراک می‌شود. با حرکت ناظر در فضا، ادراک‌های مختلف حسی او به ویژه بصری‌اش تحت تأثیر و هدایت حد و مرز ترکیب سه بعدی فضا و خطوط ساختاری آن قرار می‌گیرد. بدین ترتیب زوکِر در تعریف چپستی فضای شهری آن را ساختاری سازمان یافته، آراسته و واجد نظم تعریف می‌کند که به صورت کالبدی برای فعالیت‌های انسان و بر قواعد معین و روشنی استوار است. در اعتقاد او هر فضای خالی بین ساختمان‌ها فضای شهری نیست، بلکه درک مخاطبین با اندوخته‌های ذهنی‌اش از کالبد شهری که در ارتباطات ویژه بصری و حرکتی او ایجاد شده است، "فضای شهری" است.

انواع فضاهای شهری

فضاهای شهری از آن دسته از فضاهای باز عمومی در شهر هستند که بستر تعاملات اجتماعی بوده و دارای سه شاخص اصلی عرصه عمومی شهر را خواهند داشت. عمومی بودن، باز بودن و بستر تعاملات اجتماعی (پاکزاد، ۱۳۸۳). فضاهای شهری به دو نوع میدان و خیابان تقسیم می شوند.

الف) میدان

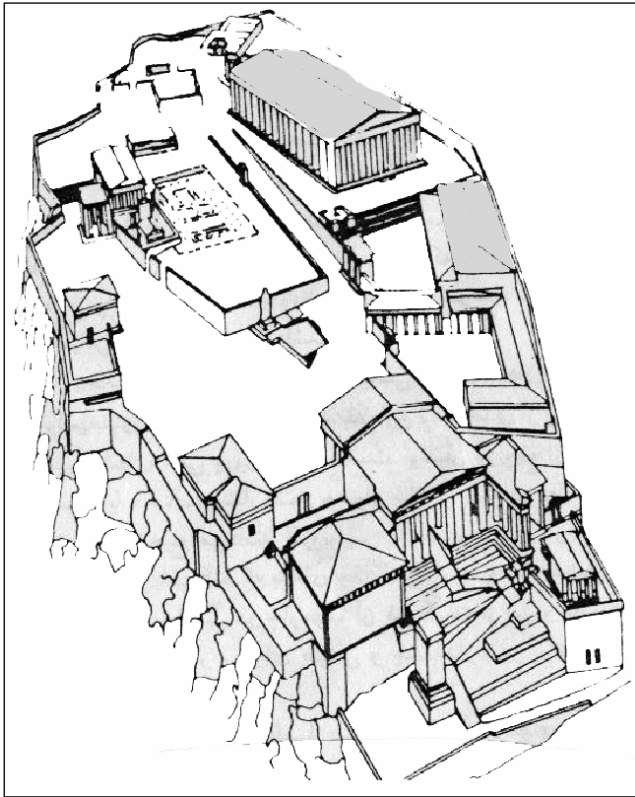
میدان اولین عرصه عمومی بود که انسان‌ها برای استفاده از فضاهای شهری به کار برده‌اند. میدان اولین بار در شهرسازی غربی از تجمع خانه‌ها گرداگرد فضای باز و در جلوی معابد به وجود آمد. این آرایش حضور بسیار زیادی از نیایشگران را در فضای بیرونی معابد را ممکن می‌ساخت، یعنی در جایی که "حرم" تعریف می‌شد و اجازه پیشروی بیشتر برای غیر از کاهنان وجود نداشت. این نوع صحن‌ها از صحن معابد سومری در بین‌النهرین گرفته تا آگورا در یونان باستان، فوروم در روم باستان، دیر مسیحی‌ها و صحن مسجد در اسلام به دفعات ارزش‌های نمادین یافت و نمونه‌های مناسبی برای پیشگاه ساختمان‌های مذهبی شد. با این تدبیر که بناهایی در اطراف حیاط مرکزی ساخته شد و "آتریم" الگوی فضائی نمونه‌ای برای آینده شکل گرفت (کریر، ۱۳۷۵: ۱۷). اما در تاریخ شهرسازی ایرانی میدان جلوی معبد آن اندازه کوچک بود که حضور عامه را در مراسم مذهبی امکان پذیر نمی‌ساخت و تنها این اشراف و نجبا بودند که در قلعه‌شهرهای پارسی و مادی اجازه حضور می‌یافتند.

در تاریخ تمدن بشری، میدان اثرگذارترین فضای شهری جهت ایجاد تعاملات اجتماعی بوده است و شهروندان شهرهای تاریخی و جدید همواره مناطق شهری را توسط میداین از هم باز می‌شناسند. میداین فضائی بر ای مکث و سکون هستند که در قلمرو فضاهای عمومی از دیروز تا امروز توسعه مفهومی مشابهی یافته‌اند. محوطه میدان‌های تجاری، زمین‌های رژه نظامی، میدان‌های تشریفاتی، میدان‌های برابر معابد و مراکز حکومتی شهری، صحن مساجد و زیارتگاه‌ها همگی یادگار قرون گذشته هستند که کارکرد نخستین و محتوای نمادین خود را کم‌کم از دست داده‌اند و تنها به صورت میراث فرهنگی باقی مانده‌اند.

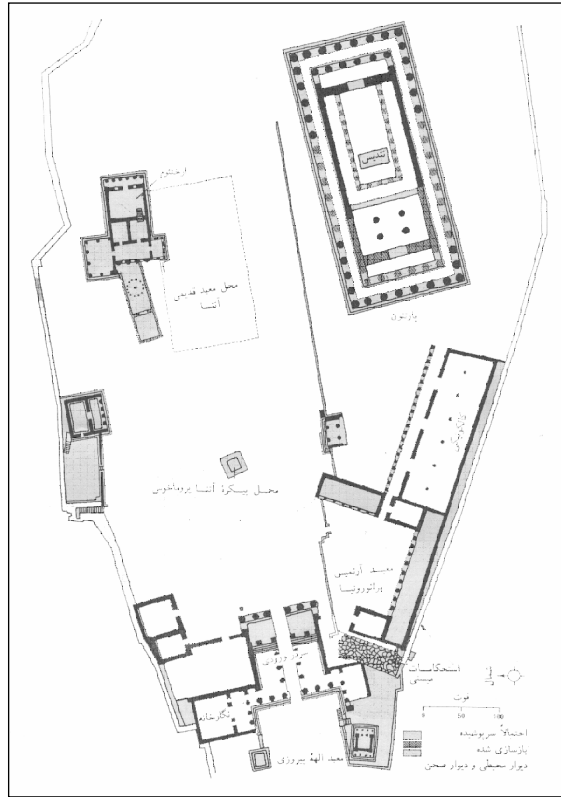
ب) خیابان

خیابان فرآورده اسکان پراکنده خانه‌هاست. براساس معبری که خیابان ایجاد می‌کند امکان دستیابی از مرکزیت میدان (کل) به قطعات انفرادی (اجزاء) میسر می‌شود. خیابان از نظر کارکردی دارای ویژگی‌های عمیق‌تری نسبت به میدان است اما میدان فضای جذاب‌تری برای گذران وقت بیشتر برای ارتباطات انسانی پدید می‌آورد. معماری پشت صحنه خیابان فقط در حال گذر به چشم می‌آید، طرح خیابان‌های شهرهای تاریخی در مقیاس پیاده و یا برای عبور کالسکه طراحی شده است، به همین علت برای گردش انسان‌ها و فعالیت آنها بسیار درخورند، در حالی که در مقیاس عبور وسائل موتوری نامناسب‌اند. خیابان‌ها به ندرت بتوانند به عنوان یک فضای مستقل و جدا عمل نمایند. خیابان‌ها در اصل بخشی از یک شبکه شهری می‌باشند و از شهرهای تاریخی تا به امروز کارکرد مسیر و معبر خود را حفظ کرده‌اند و محل گذر و گردش عمومی می‌باشند. در ساختار شهر مادی و پارسی ایران، بازار تنها فضای شهری ایرانی است که مردم در آن

به حضور اجتماعی خود دست پیدا می‌کردند و تا به امروز نیز بازار و خرید و فروش در آن از مهم‌ترین مراکز حضور مردم در تعاملات اجتماعی ایشان بوده است.



تصویر ۲: چشم‌انداز آگورا و ساختمان معابد در آکروپولیس، آتن، مأخذ: استیرلن، ۱۳۸۱



تصویر ۱: نظام طراحی آگورا و ساختمان معابد در شیب تپه‌های آکروپولیس، آتن، مأخذ: گروتز، ۱۳۷۵

فضای شهری در یونان و روم باستان

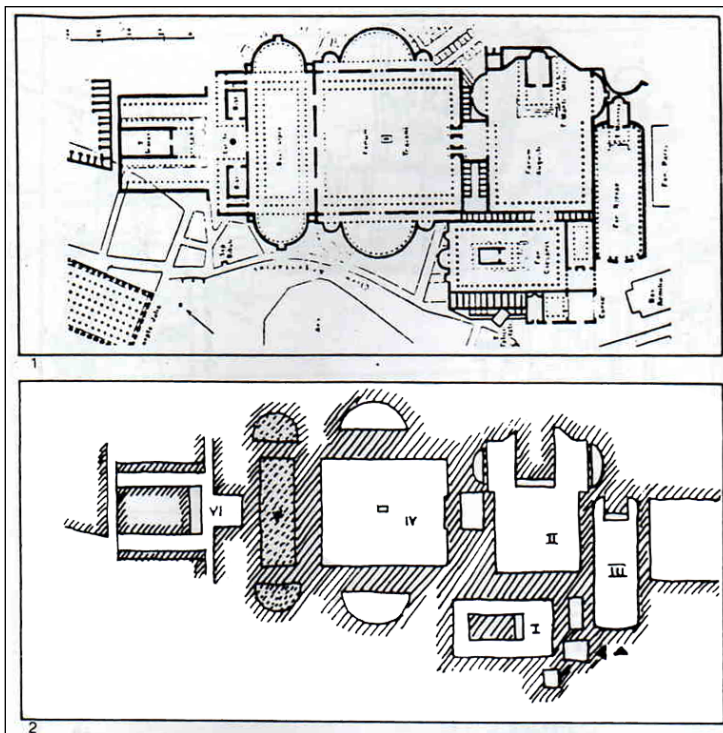
عناصر شهری در یونان باستان متشکل از معابد به طور کلی ساختمان‌های خصوصی و عمومی بود. فضاهای عمومی غیر از معابد معمولاً عبارت بودند از آگورا یا میدان شهر که مرکز زندگی اجتماعی و فعالیت‌های شهری بود. در اطراف یا نزدیک آن استوا یا رواق‌های ستوندار، معابد، ساختمان‌های اداری و عمومی، بازارها، اماکن تفریحی، بناهای یادبود قرار می‌گرفتند. استوا به عنوان پناهگاه در اطراف بناهای عمومی و در پرستشگاه‌های مذهبی بنا می‌گردید که رواق ستوندار بود. بولیوتریون که ساختمان شورا و یک محل ملاقات سرپوشیده بود برای تشکیل جلسات از آنها استفاده می‌شد. شکل عمومی این بنا چهارگوش بود. ورزشگاه‌ها نیز به انواع مختلف در ساختار شهرهای یونانی دیده می‌شوند. قبل از آنکه اسلوب منظم شهرسازی با خیابان‌های شبکه‌ای در سده پنجم ق.م توسط هیپوداموس معمار اهل میلوس به صورت طبقه‌بندی شده و انتظام یافته درآید، یونانی‌ها به پیروی از زیبایی‌های طبیعت، شهرهای خود را با احترام به خطوط میزان و شیب‌های دامنه کوه‌ها به صورت کاملاً ارگانیک می‌ساختند (گروتز، ۱۳۷۵: ۱۴۳).

نام هیپودام به شهرهایی با طرح های شطرنجی اطلاق می شود مانند شهر پرینه که بر اساس نظم جدید توسط همان معمار طراحی شده است و از شبکه درهم فشرده خیابان هایی تشکیل می شود که یکدیگر را با زوایای قائمه قطع می کنند. اصل سازمان دهنده اصلی نقشه هیپوداموس میدان بود که در مرکز قرار می گرفت و به راحتی برای شهروندان از همه جهات قابل دسترسی بود. دور تا دور میدان رواق های سرپوشیده درازی پیش بینی شده بود که بازارها و ادارات در آن واقع شده بودند و بیان معمارانه زندگی عمومی در این شهر به شمار می رفت.

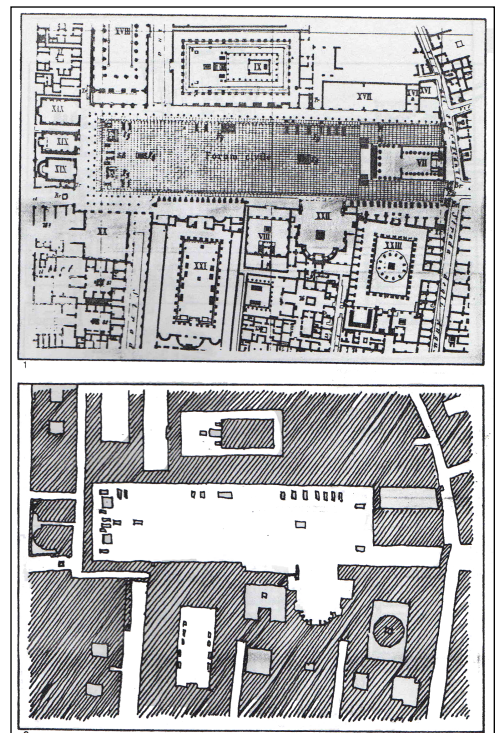
فورم «Forum»

کلمه فورم (مشابه آگورای شهرهای یونان) فضای باز مرکزی جهت مکان ملاقات ها، فروشگاه ها یا وعده گاه های تجمعات سیاسی "دولت شهر" رومی بود. این فورمها در شهرهای کوچکی که بعداً توسعه یافته بودند، نامرتب ولی در شهرهای تازه احداث شده به صورت سیستماتیک و از پیش فکر شده تأسیس شده بودند.

فورم رومانوم، رم قدیمی ترین و مهم ترین قسمت شهر در دره ای بین کوه های روم قرار داشت و شکل آن مستطیل کامل بود. از آنجائی که این مکان ها برای تمام منظوره های "دولت شهر" رومی ساخته شده بودند، مغازه ها را انتقال دادند و مسابقات و نمایش ها نیز به تئاترها و آمفی تئاترها انتقال داده شد. دور این فورم را فقط ساختمان ها خیلی مهم عمومی گرفته بودند که پیدایش این ساختمان های باشکوه با ستون های پیروزی و رواق های گرداگرد شهر و فورمها و معابد و بازلیکاها موجب زیبایی بیش از پیش فورمها بودند و به راستی که بر ابهت آن افزوده بودند.



تصویر ۴: فورم تراژان، مأخذ: کریر، ۱۳۷۵



تصویر ۳: فورم پمپئی، طرح ساده شده برای اتصال خیابان ها، مأخذ: کریر، ۱۳۷۵

فروم تراژان، رم

فروم تراژان (میلادی ۹۸-۱۱۳) بزرگ ترین این فورم‌ها بود که از چهار بخش تشکیل شده بود: فورم مطلوب و مورد پسند با نیمدایره‌های بزرگی در طرفین که به وسیله رواق‌ها پوشش داده شده بودند و شامل مغازه‌های زنجیره‌ای می‌شدند.

۱. فضاهای بازار که شامل مغازه‌ها و عمارت و تالارهای قوس دار که در سرایشی تپ کورینال میل و در شمال غربی این تپه واقع بودند.
۲. بازلیکای تراژن و دو کتابخانه الحاقی در کنار آن و حیاطی که ستون یادبود تراژن در آنجا قرار داشت.
۳. شامل ردیف ستون‌های معبد تراژن می‌شد.

بجز این فورم‌ها، فورم‌های دیگری به عنوان بازار سرویس‌دهی می‌کردند. غیر از فورم‌های روم و دیگر استان‌های آن در بسیاری از شهرهای طراحی شده چه در روم و چه در حومه امپراطوری، فورم‌هایی وجود داشتند که به عنوان نمونه می‌توان از "دولت‌شهر"های "پالمیرا"، "ساماریا"، "دمشق"، "انطاکیه"، "بعلبک" و "بصری" در سوریه، "پرگامون" در آسیای صغیر و "تیمجد" و "تیس" در شمال آفریقا و "سینچستر" و جاهای دیگر در انگلستان نام برد که در همه آنها خیابان‌ها برای جلوگیری و محافظت از نور خورشید توسط رواق‌هایی پوشش داده می‌شدند.

پولوبوس مورخ یونانی قرن دوم قبل از میلاد مسیح، معتقد است که رم آمیزه‌ای از الیگارشی، دموکراسی و سلطنت است، یعنی در واقع رژیمی که افلاطون آن را به عنوان رژیم آرمانی خود در نظر دارد. در ارکان اصلی سیاست آتنی در دو مفهوم *isonomia* یعنی برابری در مقابل قانون و *isegoria* یعنی حق و برابری در بیان عقیده خلاصه می‌شود، به عکس در رم باستان ارکان اصلی سیاست بر مبنای مفهوم *auctoritas* یعنی اقتدار و *imperium* یعنی سنت (به معنای حفظ ارزش‌های نیاکان) قرار گرفته است. به گفته هانا آرنه استمرار و بقای زندگی سیاسی جمهوری رم براساس این دو مفهوم بنا شده است. برای رمی‌ها اقتدار از سنا می‌آید، حتی اگر قدرت از آن مردم باشد. این معادله در این شعار لاتینی خلاصه می‌شود: «*senatu Cum potestas in populo, auctoritas in*» نقش سنت‌ها نیز حفظ و انتقال قوانین و ارزش‌هاست. پس "دولت‌شهر" رم به نوعی بیانگر این دو مفهوم "اقتدار" و "سنت" است و برای رمی‌ها موضوع اصلی احترام گذاشتن به نظم موجود است، حتی اگر این نظم براساس یک دیکتاتوری بنا شده باشد. به همین دلیل، به طور کلی در جهان باستان مفهوم "فردیت" به معنای مدرن کلمه وجود ندارد، ولی در "دولت‌شهر" های آتن و رم مردم نقش مهمی را ایفا می‌کنند، البته در یکی به صورت دموکراتیک و در دیگری به صورت غیردموکراتیک. ولی رم در مقایسه با آتن شهر پرجمعیت‌تری بود و به این دلیل که شهر شمار زیادی ساکنان غیر رمی داشت. شهر رم شهری بود که بر مبنای اصول قدرت نظامی طراحی شده بود یعنی شهر را دو شاهراه اصلی و محوری تقسیم می‌کرد که در مرکز همدیگر را قطع می‌کردند.

برای مردم عادی رم، "خانه" فقط به معنای پناهگاهی برای خوابیدن بود و نه محلی برای زندگی و معاشرت. شاید به همین علت مردم رم بسیاری از اوقات خود را در فضاهای عمومی‌ای چون سیرک (میدان نبرد گلاادیاتورها) می‌گذراندند. ولی سوای میدان‌ها که بزرگ بودند، مابقی فضاهای شهر رم کوچک و تنگ

بودند. عریض‌ترین خیابان رم بیشتر از شش متر نبود و چون وسیله‌ای برای نقل و انتقال مردم از اطراف شهر به مرکز شهر وجود نداشت، همه امور دولتی و غیردولتی در مرکز شهر رم قرار داشت. در "دولت‌شهر" رم باستان ارتباط نزدیکی میان ساختارهای سیاسی و اجتماعی و فضاهای شهری وجود دارد. به همین جهت، فردیت شکل نیافته در رم باستان موجب ایجاد خشونت، عوام‌فریبی می‌شد. اکثر اشراف و بزرگان رم توسط انگل‌های اجتماعی محاصره شده بودند که به نوعی از آنها تغذیه می‌کردند. به گفته مامفورد رم در درون دروازه‌های خود بیش از صدها هزار انگل اجتماعی داشت که در ازای پولی که می‌گرفتند لوازم عیش و نوش اشراف رم را فراهم می‌آوردند.

آرمان شهر مسیحیت (شهر خدا)

اخلاقیات مسیحیت و عدم خشونت و موقعیت خدامحوری که مسیحیت به عنوان یک آیین شرقی در دوره اول در اروپا تبلیغ می‌کند، به نوعی شورش و اعتراض به خشونت کیهان محوری رم باستان است. کلیسای مسیحی صلح مسیحی را جانشین صلح رمی کرد، ولی پایه و اساس این صلح را بر مبنای دین و قدرت الهی قرار داد و نه بر پایه دو مفهوم *auctoritas* و *imperium*. در قرون وسطای مسیحی نگرش جدیدی به دو مفهوم شهر و شهروندی وجود دارد که اولین بازتاب آن را می‌توان در تفکیک آگوستینی "شهر خدا" و "شهر انسان‌ها" دید. این تغییر ذهنیت و نگرش هستی‌شناسی جدید با خود یک بار دیگر نگرش شهرسازی جدیدی را به همراه آورد. از نگاه مسیحیان فضاهای شهری امپراطوری رم مثل سیرک، تئاتر و حمام عمومی با بینش آنها از جهان تطبیق نمی‌کرد و به همین جهت کلیسای مسیحی دست به انهدام این فضاها زد. البته به همان گونه که بعدها عثمانی‌ها کلیساهای بیزانس را تبدیل به مسجد کردند، کلیسای مسیحی نیز فضاهای عمومی را به کلیسا تبدیل کرد. برای مثال معبد آنتونیتوس تبدیل به کلیسای سن لورنزو شد و سنای رم به صورت کلیسای سن آدرین درآمد.



تصویر ۵: فضای میدان سن مارکو ونیز، مأخذ: بنه ولو، ۱۳۶۹

شکی نیست که مهم‌ترین تغییر و تحولاتی که مسیحیت در فضاهای شهری "دولت‌شهر" دوره باستان به وجود آورد رد و طرد فضاهایی بود که بیانگر "قدرت دنیوی"، "مالکیت این جهانی" و "شهرت

اجتماعی" بودند. این تغییر در ارتباط مستقیم با ذهنیتی بود که "زندگی در راه خدا" و "فقر" را بهترین و والاترین نوع از "فردیت" می‌پنداشت. شاید به همین دلیل دیرها، صومعه‌ها و کلیساهای گوتیک (مثل کلیسای نوتردام یا نس) مهم‌ترین فضاهای معماری قرون وسطای مسیحی را تشکیل می‌دهند. اکثر کلیساهای سیستمین در فرانسه از بلوک‌های سنگی بزرگ و بدون هیچ‌گونه دکوراسیونی ساخته شده‌اند. این عدم وجود هرگونه شیء اضافی در فضای کلیسای سیستمین به این دلیل است که کشیشانی که در آنجا زندگی می‌کردند طرفدار ایجاد رابطه مستقیم میان فرد مؤمن و خدا بودند و به گمان آنها نقاشی و یا مجسمه موجب از بین رفتن این رابطه روحانی می‌شد.

از آنجا که آرمان زندگی مسیحی در شخصیت حضرت مسیح خلاصه می‌شد، بنابر این همه می‌کوشیدند تا او را مبنای الگوی اخلاقی خود قرار دهند. این جمله معروف سن‌برنارد (Saint Bernard) که «زندگی باید مثل یک دیر آسمانی (Claustralis Paradisus) باشد»، نشانه بارز این نحوه نگرش قرون وسطای مسیحی است. در این دوران "دولت‌شهر" قرون وسطایی با فضاهای شهری "خدا محور" همراه شده بود. ولی با اضافه شدن به قدرت کلیسا، بعضی از کشیشان خود تبدیل به قدرتهای سلطه شدند و صومعه‌ها را تبدیل به فضاهای شهری کردند که در آنها تجارت صورت می‌گرفت و محلی برای استراحت مسافران و پناهندگان بود.

درک فضای شهری ایرانی

برای کشف و درک فضای شهری ایرانی در دوران باستان، نمی‌توان تنها به اندیشه فضای شهری معرفی شده توسط نظریه‌پردازان غربی در زمان حاضر قناعت کرد. لازم است ضمن معرفی بررسی‌های انجام شده در این زمینه در پیدایش مفاهیم "فضای شهری" با مقایسه‌ای با اندیشه‌های بنیادین طرح فضای شهر تاریخی کار این مکاشفه را با تحلیل فضاهای شهری در ایران باستان و بر اساس شناخت مردم همان زمان آغاز نمود.

دکتر حبیبی (۱۳۷۸) فرآیند شهرنشینی، شهرگرایی، و شهرسازی در ایران را در سه دوره کلی مورد بحث قرار داده است. وی معتقد است ساخت و بافت شار از قرن ۹ ق.م. تا ۴ ق.م. یعنی تا حمله اسکندر و فروپاشی نظام سلطنتی اولیه به صورت قلعه-شهر مادی پارسی بوده است. بدین ترتیب شار مادی شهر/قدرت بوده و با الهام از شهر/تپه‌های بین‌النهرینی، شهر/معبد و نوعی آرمانشهر ایرانی که توسط دولت سلطه اداره می‌شود و فضایی در کالبد شهری برای تعاملات اجتماعی وجود ندارد. عدم میل و توجه به تعاملات اجتماعی بین حکومت و مردم در دوره هخامنشی نیز ادامه داشته و شهر/قدرت پارسه برای حضور و تعاملات اجتماعی عامه مردم فضایی جز بازار ندارد.

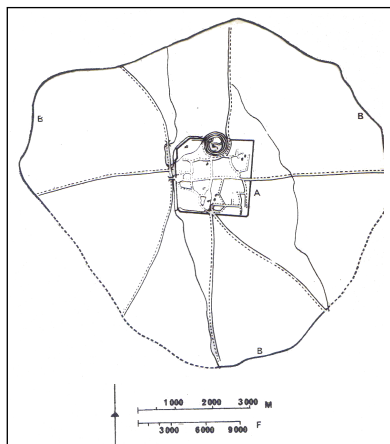
با سقوط نظام سلطه هخامنشی در قرن ۳ ق.م.، در ساخت و بافت شار و یا شهر در دوره سلوکی تغییرات بنیادینی مشاهده می‌شود و آن آمیختگی شار و شهر-قدرت پارسی با دولت-شهر یونانی است. پیدایش نوشهرهایی ناشی از مردم سالاری اشراف و اقتدار حکومت پارسی راه جدیدی در فضای شهری پیش رو می‌گذارد. دولت سلوکی اجازه می‌دهد تا شهر مکان تجلی کالبدی - فضایی آرمان‌های ایرانی با تأکید بر کالبد معابد آنها باشد. از طرفی برای اولین بار برای حضور ایرانیان در تعاملات اجتماعی، مکان

تحقق سلطه شهر بر منطقه نفوذی اطراف خود باشد. برای نخستین بار مفهوم میدان در شهر ایرانی شکل می‌گیرد، این میدان چون اصل خویش یعنی آگورا، مرکز مبادلات فرهنگی، تجاری و اداری است و چون در صحن معبد- شهر قرار دارد، می‌توان آن را دولت شهر آرمانی نامید.

ساخت و سازمان شار و نوشهرهای نظامی از اواخر قرن ۳ ق.م. تا قرن ۷ م. (یکم هجرت) به شکل شار پارتی و در دولت اشکانی از یکسو شهر - قدرتی است با تبعیت از پادشاه و آرمان های ایرانی و از سوی دیگر دولت- شهری است که در آن از آرای مردم و نخبگان در تصمیم گیری های سیاسی و حکومتی استفاده می‌شود. شهر پارتی محیطی دایره‌ای دارد و مجموعه‌ای است از بازار، میدان به جا مانده از شهر پارسی- هلنی، و هنوز با مفهوم دولت شهر آرمانی ایرانی به پیش می‌رود. چهره شهر پارتی در دوره ساسانی عوض می‌شود و نقش حضور مردم در تعاملات اجتماعی از بین می‌رود تا آنجا که قلعه شهرهای آرمانی دوره پارسی را به یاد می‌آورد.

شهر پارتی

از شهرسازی زمان پارت ها اطلاعات زیادی در دست نیست ولی شهرهای بسیاری را به آنها نسبت می‌دهند، قدر مسلم آن است که در دوره اشکانیان تحوّل و تغییرات تازه‌ای در زندگی شهرهای ایرانی پدید آمده است. بدین ترتیب که شهر را به صورت دایره‌ای می‌ساختند و بر گرد آن به سنت کهن دیواری بلند می‌کشیدند، این شیوه ساختن شهرهای مدوّر در خاستگاه پارتیان در شرق ایران و پیش از برخورد با رومیان در شهر قدیمی نسا و همچنین در مشرق با شهر قدیمی مرو دیده می‌شود.



تصویر ع: مرو، نقشه شهر در دوران پارتی، مأخذ: گیرشمن، ۱۳۵۰

اشکانیان با آشنایی به امتیاز شهرهای دایره‌ای که دفاع و حراست آن آسان تر از طرح های هیپودام (شهرهای مستطیل شکل) بود حتی در هنگام آرایش نظامی لشگریان خود را با طرح دایره‌ای تجهیز می‌کردند و این درست بر خلاف آرایش نظامیان رومی بود که در هنگام جنگ و برخورد با دشمن به صورت مستطیل گرد می‌آمدند. وانگهی بسیاری از شهرهای یونانی که دارای طرح های مستطیل شکل بودند پس از آنکه به تصرف اشکانیان درآمدند، با ایجاد و احداث حصار مدور به دور آن شهر را به صورت دایره‌ای ساختند، چنان که دیواره های باقی مانده شهر قدیمی مرو نشان می‌دهد که این بارو از چینه‌های گلین

بوده و برج‌ها و کنگره‌ها و شکاف‌های محل تیرکش که دور آن ایجاد شده همه متعلق به دوره اشکانی است که به دور شهر مستطیل شکل قدیمی احداث شده است.

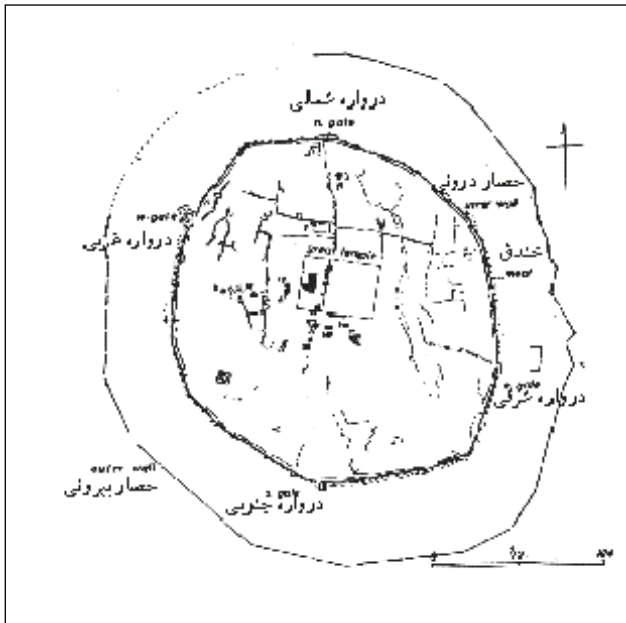
دیوار شهر الحضر که فرانسویان آن را هاترا می‌گویند، نیز دایره‌ای شکل بوده و پیرامون آن در حدود ۵ کیلومتر بوده است که از آثار سنگی و جالب توجه دوره اشکانی در سرزمین بین‌النهرین است. در درون شهرهای اشکانی مهم‌ترین ساختمان مقر حکومت و معبد بود، همچنین بازار از بخش‌های بزرگ و جالب شهر بود.

در زمینه نحوه اداره شهرها، خود فرمانی آنها به عنوان میراثی از گذشته یکی دیگر از وجوه تشابه دو دوره پارتی و سلوکی را نشان می‌دهد. اگرچه خودمختاری شهرهای اشکانی با دولت شهرهای یونانی تفاوت داشته و همچنان که م.م. دیاکونوف (۱۳۵۷) اشاره می‌کند، حتی در دوره حکومت سلوکیان بر ایران نیز آزادی شهرها بر خلاف پولیس‌های اصلی کامل نبوده و مسائل روابط خارجی تماماً در صلاحیت پادشاه بود، اما با توجه به اوضاع کشور پارت‌ها و عدم توانایی آنها در ایجاد یکپارچگی میان حکومت‌های پراکنده، وجود این نوع تشکیلات شهری، در نهایت موجب ضعف و قدرت می‌گردید، و در این میان شهرهای یونانی نشین که از اختیارات بیشتری برخوردار بودند به عدم یکپارچگی موجود می‌افزودند.

مشکلات پارتیان در اداره کشور تنها منحصر به خود فرمانی شهرها و عدم تمرکز ناشی از وجود ملوک الطوائف نبود، بلکه تغییر در مناسبات تولیدی این دوره را باید اساسی‌ترین عامل سقوط آنان به حساب آورد، چه علی‌رغم اختلاف سطح تکامل اجتماعی، مناطق و تفاوت اوضاع اجتماعی و طبقاتی آنان، برده‌داری شکل و شیوه غالب در روابط تولیدی کشور پارت‌ها بود. که با تکامل آن و سیر به سوی زمینداری در نتیجه پدید آمدن دسته‌ای خاص از بردگان موسوم به آن شهر یک نیاز به سیستم حکومتی جدیدی احساس می‌گردید که پارتیان قادر به ایجاد آن نبودند.

تجربه فضای شهر تاریخی در هاترا

گزارشات هیئت‌های خارجی و داخلی نشان می‌دهد که از دهه‌های ۱۹۱۰ تحقیق و پژوهش در مورد "هاترا" و دیگر شهرهای اشکانی آغاز شده است، و بیشترین مطالعات نسبت به بقایای "هاترا" انجام شده توسط والتر آندره‌ای بوده است. دکتر رومان گریشمن فرانسوی نیز با حضور خود در کاوش‌های باستانی ایران و عراق در طول سال‌های ۱۹۳۰ به بعد، گزارشات معتبری از تاریخ و فرهنگ ایران اشکانی در کتاب‌های "هنر ایران - دوران پارتی و ساسانی" (گریشمن، ۱۳۵۰) و "تاریخ ایران - از آغاز تا اسلام" (گریشمن، ۱۳۷۹) ارائه کرده است. اداره کل آثار باستانی عراق نیز از بهار ۱۹۵۱ حفاری‌های منظمی در مورد هاترا اداره کرده است. از جمله گزارشات مفصل آقای دکتر ناجی الاصلیل، که بعدها اداره کل آثار باستانی عراق مختصری از مطالب این گزارشات را در "اخبار تصویری لندن" یا "سومر" به چاپ رسانید. استاد فواد صفر نیز که به عنوان مدیر عملیات صحرائی هیئت اعزامی خدمت می‌کرد، مقدار زیادی از کتیبه‌ها و نوشته‌های آرامی را منتشر کرده است (صفر و مصطفی، ۱۹۵۱). اما باید اعتراف کرد مدارک و اسنادی که آقای دکتر واتیک الف-الصلیحی با انجام خدمات علمی خود از مجموعه تاریخی هاترا به دست داده است، به حق ذیقیمت بوده است.



تصویر ۸: نقشه شهر هاترا، مأخذ: کریمیان ۱۳۸۳



تصویر ۷: عکس هوایی هاترا، مأخذ: کریمیان، ۱۳۸۳

موقعیت

هاترا (نینوا) در ۶۰ کیلومتری غرب آشور باستانی که یکی از امپراطوری های بزرگ و اصلی آشوری بود و در حدود ۱۵۰ کیلومتری جنوب غربی شهر جدید موصل قرار دارد. آب وهوای موسمی وادی "زرزار" تا حدود ۴ کیلومتری شرق هاترا جریان پیدا می کند. از منابع آب در هاترا دریاچه کوچکی است، اما این منبع آب جهت احتیاجات عمومی کافی نبود، بنابراین اهالی هاترا مخازن و آب انبارهایی ساختند و از چاه های آب در پهلولی شهر به خوبی استفاده کردند. استحکامات هاترا دایره ای شکل است، بنابراین به شهرهای دوران پارت (اشکانیان) و ساسانیان بیشتر شباهت دارد.

بنای ساختمان در شهر هاترا از اوایل سومین قرن ق.م آغاز شد، در زمانی که از استقلال مقام سیاسی، نظامی، اقتصادی، مذهبی خارج از مرزهای خود برخوردار شد. هاترا وظیفه ی دفاع از مرزهای غربی امپراطوری پارتی (اشکانیان) را در مقابل حمله ی سخت سپاهیان منظم و تشکیلاتی رومی بر عهده داشت. در این زمان با ساخت هاترا پیروزی در دشت و صحرا برای ایرانیان ممکن پذیر می شد. حاکمین هاترا قادر بودند کاروان هایی که از کنار نهرها در رفت و آمد بودند را مورد بازرسی قرار دهند و این راه از زمان سلوکیان مسیری برای گذر از تیسفون (مدائن) به شهرهای آسیای میانه مورد استفاده بود. هاترا یکی از معتبرترین مراکز پرستش و نیایش اقوام و طوایف مردم این ناحیه نیز به شمار می رفته است، این مطلب را وجود بت های متعدد که در این مجموعه به دست آمده ثابت می کند. تعداد زیارتگاه ها و معابد کشف شده که همگی دارای ایوان هایی با قوس های هلالی و نقوش تزئینی و ستون های چهار گوش به سبک پارتی است که برای مطالعه تاریخ در این مجموعه جالب موجود می باشد. هنرهای مجسمه سازی و معماری با ترکیبی از هنر ایرانی و یونانی با تناسبات ویژه ای در مکان هاترا به نمایش گذارده می شود.

تاریخ هاترا

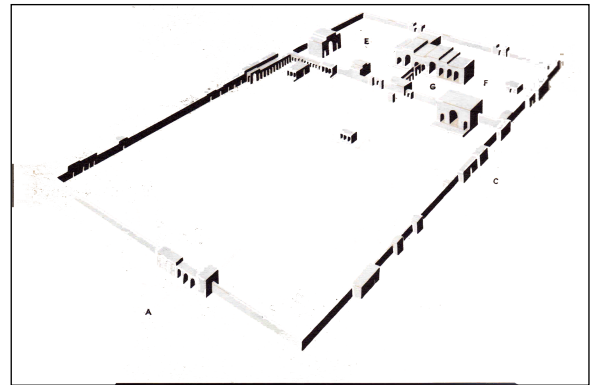
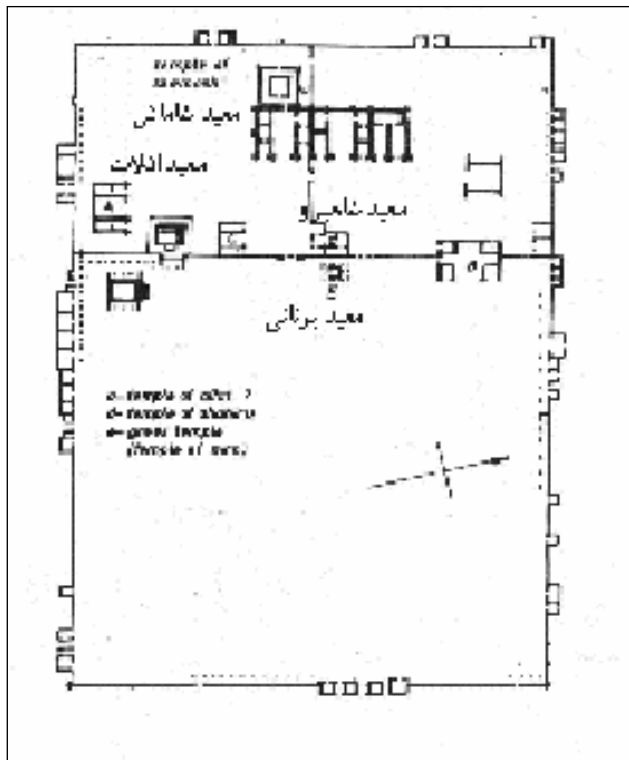
هاترا، موقعیت بسیار مهمی از نظر نظامی در میان دو رودخانه دجله و فرات داشت و باعث اضطراب و دلواپسی رهبران کشورهای دشمنی بود که قصد حمله به تیسفون یعنی پایتخت بین النهرینی پارسی ها را داشتند. به نظر می‌رسد راه آبی رودخانه های دجله و فرات (رودخانه های معروف جنوب غربی آسیا) عامل و انگیزه نظامی قوی جهت بنیان هاترا در مقابل قدرت رومی ها در این قسمت متروک و ویران شده صحرا بوده است. بعضی طوایف و قبایل با تهیه ابزار کار و پرداخت وجوهات جهت ساخت این شهر تشویق و دلگرم می‌شدند.

به تدریج هاترا به یک ناحیه تجاری در منطقه تبدیل شد و آن طور که رستوفز Rostovtzeff در لغت خود به کار می‌برد، یک "کاروان شهر" پدید می‌آید. بعد از آنکه رومی ها به حکومت سلوکی ها در بین النهرین و سریانی ها پایان دادند، پارسی ها تنها قدرت هم رزم با دولت روم بودند، ایشان نیز هاترا را به محلی جهت تعلیم و تربیت نظامی ها در زمان جنگ تبدیل کردند. در سال ۱۱۷م. و در زمان "ادسا" سلوکی ها و "نیسیبیس"، هاترا در مقابل "تراژان" امپراطور روم شورش می‌کند. امپراطور بعد از اینکه شورش شهرها را سرکوب می‌کند به سمت مرزهای هاترا حرکت می‌کند.

شهر در آن زمان نه نشانگر یک شهر بزرگ است و نه اینکه بسیار خوب ساخته شده است و نواحی اطراف آن به بیشترین وجهی ویران گشته، آب کم عمقی دارد و چوب و علوفه در این ناحیه پیدا نمی‌شود. با همه‌ی این صفات منفی که از شهر عنوان می‌شود و محاصره همه غیر ممکن ها، از هلیوس یعنی کسی که شهر به او هدیه گردیده و شهر را محافظت می‌کند، تشکر می‌گردد.

هاترا در طول جنگ های پارتیان در سال های ۱۶۱-۱۶۶ میلادی مورد حمله قرار نگرفته است و این به خاطر موقعیت نظامی و استحکامات معروف و مشهور آن بوده است. در زمانی که جنگ رومی ها و بلاش (ولوگاسز) سوم پادشاه پارسی در میدان جنگ سورا اتفاق می‌افتد و پادشاه پارسی شکست می‌خورد و سبب می‌شود تا شهرهای تمدن بابلی و سلوکی سوزانیده شوند و تیسفون در سال ۱۶۶ میلادی فتح گردد. به نظر می‌رسد آخرین پادشاه هاترا که "دایزان" نام داشته، از رومی ها در نبردشان با ساسانیان حمایت کرده است (مسعودی، ۱۹۵۴: ۲۴۷). بر طبق نظر یاقوت حموی (۱۹۴۵: ۲۴۸)، جغرافیدان معروف عرب دایزان دوباره با ساسانیان به جنگ پرداخت و در نبردی در منطقه "شهرزور" (دشتی نزدیک سلیمانیه) ضربات سختی بدیشان وارد کرد و پیروز شد. یک نظر آن است که این نبرد در سال ۲۳۲ وقتی که ارتش رومی ها شهر مدیا را مورد تاخت و تاز قرار داده اند، انجام شده است.

مسعودی نوشت که شاپور اول ساسانی، پسر اردشیر اول، تنها پادشاهی بوده است که نیروهایش را برای حمله به هاترا آرایش داد، و پس از یک محاصره هاترا را به آسانی تسخیر کرد. پس از آنکه هاترا سقوط کرد، مورد غارت قرار گرفت و دایزان کشته شد. شهر هاترا در همان اوایل یعنی در سال ۲۴۱ میلادی، توسط سپاه شاپور اول به کلی تخریب گردید، اما طبری این تخریب را به زمانی که "والرین" امپراطور روم توسط شاپور اول دستگیر شد، یعنی در ۲۵۸ میلادی مربوط می‌داند. هاترا دیگر به طور کامل متروک شد و دیگر بهبود نیافت.



تصویر ۹: طرح سه بعدی از معبد و صحن جلوی آن،
مأخذ: گیریشمن، ۱۳۵۰

تصویر ۱۰: نقشه افقی از معبد و صحن جلوی آن،
مأخذ: فواد مصطفی، ۱۹۵۱

سیمای کالبدی شهر

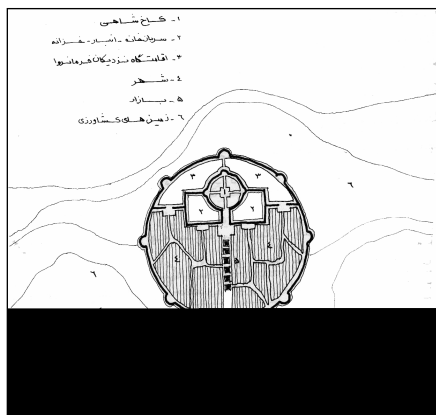
زمین هاترا را یک دیوار خارجی احاطه می‌کند، قطر دایره بزرگ تر تقریباً ۳ کیلومتر است. شکل دایره‌ای در نقشه شهر منسوب به ساخت شهر دوره پارسی است. مسافت بین دیوار خارجی و داخلی در حدود یک کیلومتر است، دیوار داخلی که ویژه حصار شهر است دوتائی است و از سنگ بادبر در ساختمان آن استفاده شده است و منطقه ای حدود ۳/۲ کیلومتر مربع را احاطه می‌کند. اطراف این دیوار دوتائی یک خندق وجود دارد که در نقاط اصلی حدود ۲۰ تا ۳۰ متر پهنا دارد. دسترسی به شهر از طریق ۴ دروازه انجام می‌شود که هر یک ۳۸۶ متر پهنا دارد و در جانب شمال، جنوب، شرق و غرب شهر واقع است. دروازه‌ها به شکلی ساخته شده‌اند که وارد شوندگان مجبور به طی مسیری با تغییر زاویه ۹۰ درجه می‌باشند. هدف از این ترکیب کند کردن حرکت مهاجمین و متجاوزین با قرار دادن مانعی در مقابل ایشان بوده است. در دیوار داخلی ۱۶۰ برج برای نگهبانی شهر وجود داشت که دیوار چینه‌ای از سنگ به شکل مستطیلی مسافتی حدود ۰/۱ کیلومتر مربع را احاطه می‌کرد. از میان دروازه‌ها، دروازه شرقی در میان دیوار مستطیل شکل اصلی بود.

بعد از ورود به صحن مربعی شکل جلوئی در قسمت شرقی، مسیر به مجموعه معابدی منتهی می‌شود که دارای مساحتی حدود ۳۲۰ مترمربع است. پس از آن دیوار ممتد شمالی جنوبی، حیاط جلوئی را از حیاط خود معبد جدا می‌کند. حیاط جلوئی و حیاط معبد را با تخته سنگ‌های آهکی فرش کرده‌اند. این دیوار جدا کننده دارای دو دروازه شمالی و جنوبی است. هر کدام از ورودی‌ها سه تاق داشت که تاق میانی بزرگتر است. تاق وسطی یا میانی دروازه شمالی دارای هفت پله است که از تاق‌های راست و چپ خود با ستون‌هایی به شکل برج جدا می‌گردد. در دو طرف دروازه جنوبی نیز دو برج واقع است.

در جلوی معبد بزرگ تر صفه‌ای واقع است که با حرکت تدریجی شش پله از حیاط معبد بالاتر می‌آید. نمای اصلی معبد بزرگ تر به سمت شرق نگاه می‌کند و شامل دو قسمت شبیه به هم است. هر کدام از ایوان‌ها، تاق هلالی بزرگی را شامل می‌گردد که هر کدام تقریباً ۱۵ متر پهنا و ۳۰ متر عمق دارد و در هر طرف آن سه اتاق واقع است. طبقه‌ی دوم بر روی دیوارهای باربر اتاق‌ها در هر طرف ساخته شده است. در هاترا اصلی ترین فضای شهر به خدای خورشید تعلق دارد که معبدی با ایوانی رو به سمت طلوع آفتاب برای آن ساخته شده است. صحنی که در جلوی این معبد قرار دارد، تنها فضای شهر تاریخی هاترا است. در حقیقت فضایی است که تعاملات اجتماعی در نسبت با آرمانهای خدای ایرانی طرح ریزی می‌شود، که این فضای "دولت شهر آرمانی" ایرانی ایجاد رابطه مستقیم میان فرد مؤمن و خدا از یکسو و دولت و حاکمیت از سورا دیگر بود.

نتیجه‌گیری از درک فضای شهری ایران باستان

لوییس مامفورد مورخ و روشنفکر معروف آمریکایی قرن بیستم معتقد است که شهرها تجلیات روح بشری هستند (Mumford, 1961). به گفته او، دلیل وجودی شهرها در تاریخ یاری رساندن به پیشرفت شخصیت بشر است. مامفورد معتقد است که رابطه تنگاتنگی وجود دارد میان روند بهتر کردن فضای شهرها از نظر کالبدی و مدنی. شاید به همین دلیل یونانیان باستان معتقد بودند که "شهر" فضای محل زندگی افراد متحدی است، دارای یک "مدینه" که به معنی اشتراکات در زندگی اجتماعی و سیاسی بوده است (دوکولانژ، ۱۳۴۳: ۱۳۳). در تمامی شهر تاریخی شرقی نیز شهر محل گردهمایی افرادی است که دارای یک دین و آیین بوده و کسانی که از دین سر می‌پسچیدند، از شهر تبعید می‌شدند (آشتیانی، ۱۳۵۸: ۳۶). بدین منظور فیلسوفی چون ارسطو انسان را زوئون پولیتیکون تعریف می‌کند، یعنی موجود زنده‌ای که برای زندگی در "دولت‌شهر" ساخته شده است (بریه، ۱۳۵۲). در یونان باستان قانون "دولت‌شهر" همانند آیینی دینی تلقی می‌شد، زیرا دربرگیرنده زندگی همه اعضای "دولت‌شهر" بود. پس می‌توان گفت که "پولیس" به عنوان یک کالبد شهری فقط واحدی سیاسی نبود، بلکه تجلی منظومه عقاید انسان‌ها هم بوده است. در حقیقت آن چیزی که از شهروند آتنی عاملی فعال و مسئول می‌سازد، کالبد فلسفی و سیاسی "دولت‌شهر" است و آنچه که موجب استحکام "دولت‌شهر" و دموکراسی آتنی می‌شود، ذهن و منش شهروندان آتنی است. از این نظر "دولت‌شهر" آتنی‌ها با نظام سیاسی و مذهبی "آرمان شهر" شرقی که در آن فرد می‌تواند به طور کامل قابلیت‌های اخلاقی و ذهنی خودش را به تحقق برساند، مشابهت دارد.



تصویر ۱۱: نقشه شهر پارتی، حبیبی ۱۳۷۸

برای آتی‌ها، تنها طریقه شهروندی زندگی در "دولت‌شهر" و پیروی از قوانین آن است. به زبان فیلسوفان یونانی پولیس یا پولیته، به معنای کالبد شهری، در حقیقت هیچ نیست جز مجموعه‌ای سامان یافته از شهروندان که تحت لوای قوانینی زندگی می‌کنند که خود آن را بنیان نهاده‌اند، و آن حاصل نگرشی کیهان محور است که رابطه میان انسان‌ها، طبیعت و خدایان را تعیین می‌کند. در شرق این شهر را مدینه می‌نامند، که "استقلال فردی و اجتماعی" انسان در راستای اهداف آیینی در فضای شهرهای تاریخی معرفی می‌کند. از این سو فرد به عنوان شهروند "دولت‌شهر" تعریف می‌شود، که سوژه‌ای خودمختار مانند آنچه که بعدها در فلسفه و معماری مدرن از آن صحبت به میان می‌آید، نیست. شاید به همین دلیل برای ارسطو بهترین شکل از "دولت‌شهر" فضای شهری است با جمعیت بین ۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ نفر؛ هرچند "آرمان شهر"های ایرانی در وسعت امپراطوری هخامنشی باعث تعجب ایشان گردد. پس می‌توان نتیجه گرفت که منظومه ذهنی آتن باستان و ساختار شهری "دولت‌شهر" با "آرمان شهر" در ارتباط نزدیک قرار می‌گیرند (سوادکوهی فر، ۱۳۷۹: ۱۶).

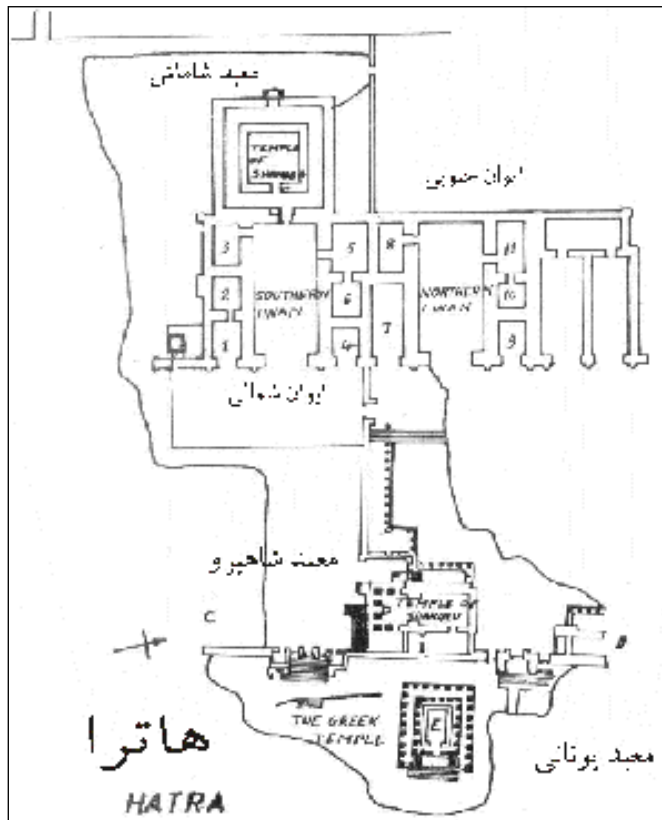
طبیعتاً وجود چنین رابطه‌ای است که فضاهای عمومی شهری چون «آگورا» را با میادین صحن نیایشگاه‌های شرقی مشابه می‌سازد که بیانگر برتری فضای عمومی بر فضای خصوصی است. تنها فرق ممکن آن است که در یونان باستان باید بیشتر در مورد «فردیت جمعی» سخن به میان آورد، در حالی که در شرق باستان سخن از "جمعیت‌های خدایی" است. از این رو، تحول ساختار روستایی و تبدیل آن به "پولیس" در یونان و گردهمایی قبایل برای انتخاب پادشاه در ایران اشکانی (حبیبی، ۱۳۷۸: ۲۳) با اتکاء به دستورات دینی و اهمیت یافتن نقش میدان در مرکز شهر پارتی یک امر تصادفی نیست، بلکه نشان دهنده سیر آگاهی سیاسی انسان‌هاست که در جست‌وجوی زندگی‌ای هستند که در بطن آن سه مفهوم "آزادی"، "حقیقت" و "زیبایی" قرار می‌گیرند.

شاید بهترین نمایش از فضای شهری برای "دولت‌شهر" آتنی "آگورا" است که به دلیل تحول ذهنیت فلسفی و سیاسی آتی‌ها دیگر فقط دارای نقشی تجاری نیست بلکه تبدیل به محل تجمع سیاسی-اجتماعی می‌شود. اما زمانی که به رابطه میان فضاهای شهری و فردیت شهروندی در جامعه رم باستان نگاه می‌کنیم، به تفاوت‌های بسیاری با "دولت‌شهر" آتن برمی‌خوریم. مهم‌ترین تفاوت در این امر خلاصه می‌شود که رم باستان یک دموکراسی به معنای آتنی کلمه و یا مدرن کلمه نیست. آتن از نظر مدرن‌ها دموکراسی ناکاملی است، ولی رم باستان را به هیچ‌گونه نمی‌توان یک دموکراسی نامید.

دولت‌شهر آرمانی ایرانی

ایرانیان بر اساس دستورهای دینی و آیینی اوستا شهرسازی کرده‌اند. (سوادکوهی، ۱۳۷۵: ۱۹) طرح وارّه شهر نخستین آریایی‌ها (ورجمکرد) را شهری منظم و شطرنجی توصیف می‌کند که خرم و دلگشا است و به دستور اهورمزدا به شکل مربعی با ابعاد یک اسپریسی یعنی ۱۰۰۰ متر شکل می‌گرفته است. تا انقراض حکومت هخامنشیان در ایران، شار پارس بر اساس همین اندیشه همراه با سه فضای دژ حکومتی (معبد، کاخ، دیوانخانه، ارتش، گنجینه و انبار آذوقه)، شار میانی (بازار و خانه‌های اشراف) و شار بیرونی (بازار و خانه‌های توده مردم) شامل بوده است (حبیبی، ۱۳۷۸: ۱۴). با فروپاشی نظام شار پارس که نفوذ فرهنگی

یونانی را نیز در پی داشت، نوشهرهای سلوکی با مفهومی التقاطی پارسی - هلنی ایجاد می‌گردد، که شامل شبکه معابر با مقیاس های انسانی و ایجاد میدانی جهت ارتباطات و تعاملات انسانی خواهد بود. به دنبال سیر تاریخ شهرنشینی در ایران، شهر پارتی از مفهوم دولت شهر یونانی فاصله گرفته و بار دیگر آرمان شهر شار پارسی در دولت اشکانی مفهوم "دولت شهر آرمانی" را با ایده‌های ایرانی متبلور می‌نماید.



تصویر ۱۲: نقشه معبد ایرانی و یونانی در هاترا، مأخذ: فواد مصطفی ۱۹۵۱

منابع

- آشتیانی، سید جلال‌الدین (۱۳۵۸) *مدیریت نه حکومت* تهران.
- آندره‌ای، والتر، Die Ruinen von Hatra ، مجلات I, II، لیپزینگ، پاریس، ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۲ میلادی.
- ابوضیا، فرهاد و قزلباش، محمدرضا (۱۳۶۴) *الفبای کالبد خانه سنتی یزد* وزارت برنامه و بودجه، تهران.
- اکو، امبرتو (۱۳۸۱) *هنر و زیبایی شناسی در قرون وسطی* ترجمه فیده مهدوی دامغانی، نشر تیر، تهران، ص ۲۱.
- بریه، امیل (۱۳۵۲) *تاریخ فلسفه* ترجمه علی مراد داودی، دانشگاه تهران، تهران.
- بنه ولو، لئوناردو (۱۳۶۹) *تاریخ شهر* ترجمه پروانه موحد، نشر دانشگاهی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۳) *راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران* وزارت مسکن و شهرسازی معاونت شهرسازی و معماری، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری.
- توسلی، محمود و بنیادی، ناصر *فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهری* مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸) *از سار تا شهر* تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، دانشگاه تهران، تهران.
- حموی، یاقوت (۱۹۴۵) *توصیف کشورها* بیروت، هاترا، جلد ۲، ص ۲۴۸.
- دوکولانژ، فوستل (۱۳۴۳) *تمدن قدیم* ترجمه نصرالله فلسفی، چاپ کیهان، ص ۱۳۳.
- دیاکونوف، م (۱۳۵۷) *تاریخ ماد* ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام.
- سوادکوهی‌فر، ساسان (۱۳۷۹) *سیر اندیشه‌های آرمانی معماری و شهرسازی* جلد اول، انتشارات بهراد.
- سومر، جلد اول، تا جلد ۲۲، بغداد، مدیریت آثار عامه، ۱۹۴۵-۱۹۶۴.
- صفر، فواد و مصطفی، محمد (۱۹۵۱) *الحضر مدینه الشمس* مدیریت آثار عامه، بغداد.
- کریر، راب (۱۳۷۵) *فضای شهری* ت: خسرو هاشمی‌نژاد، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کریمی‌ان سردشتی، نادر (۱۳۸۳) *تاریخ تمدن الحضر* سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری.
- گروتز، یورگ (۱۳۷۵) *زیبایی‌شناسی در معماری* ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبرالرضا همایون، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- گریشمن، رومان (۱۳۵۰) *هنر ایران در دوران پارتنی و ساسانی* ترجمه بهرام فره‌وشی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گریشمن، رومان (۱۳۷۹) *تاریخ ایران از آغاز تا اسلام* ترجمه محمود بهفروزی، جام.
- مدد پور، محمد (۱۳۸۳) *آشنایی با آراء متفکران درباره هنر* کتاب دوم، هنر و زیبایی در نظر متفکران یونان و رم، سوره، ص ۵۵.
- مسعودی (۱۹۵۴) *سرزمین‌های طلا و معادن جواهر* ویرایش یوسف وقیر، بیروت، جلد ۲، ص ۲۴۷.
- Mumford, Lewis, *the City in History*, 1961, Secker and Warburg, London, 1968, Harcourt Brace Javanovich, New York.
- Zuker, P. (1959) *Town and Square* MIT